



بررسی تار و پودهای انسجام اجتماعی در بحران‌ها و ارائه راهکارهایی برای تقویت آنها؛ با تمرکز بر محله‌محوری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره مسلسل:

۲۱۲۳۷



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۱۰/۲۲

عنوان گزارش:

بررسی تار و پودهای انسجام اجتماعی در بحران‌ها و ارائه راهکارهایی برای تقویت آنها؛
با تمرکز بر محله محوری

نوع گزارش: طرح/لایحه □، راهبردی □، نظارتی □، پیش‌نویس قانونی □

نام دفتر:

مطالعات اجتماعی (گروه تعاون، مشارکت‌های مردمی و سرمایه اجتماعی)

تهیه و تدوین:

سینا شیخی (گروه تعاون، مشارکت‌های مردمی و سرمایه اجتماعی)

مدیر مطالعه:

محمدتقی ضرغام افشار

ناظر علمی:

ریحانه رحمانی پور

گرافیک و صفحه‌آرایی:

سمیرا صادقی عسکری

ویراستار ادبی:

مژگان کاظمی

واژه‌های کلیدی:

۱. سرمایه اجتماعی

۲. بحران

۳. محله محوری



تاریخ شروع مطالعه: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱



فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۸
۲. پیشینه.....	۱۰
۲-۱. سوابق مطالعاتی در مرکز.....	۱۰
۲-۲. سوابق تقنینی به همراه آسیب‌شناسی.....	۱۰
۳. تقویت ساختارهای افقی و غیررسمی حکمرانی در بحران.....	۱۱
۳-۱. ایجاد و تقویت شبکه‌های محلی.....	۱۱
۳-۲. ایجاد ساختار اطلاع‌رسانی با تعادل میان خبررسانی صحیح و پاسداشت امید.....	۱۲
۳-۳. ایجاد شبکه داوطلبان.....	۱۲
۳-۴. تقویت گفت‌وگوی اجتماعی از طریق رسانه ملی.....	۱۳
۳-۵. حمایت از ابتکارات فرهنگی و هنری مردمی.....	۱۳
۳-۶. تنظیم‌گری روابط بخش خصوصی با بخش مردمی.....	۱۳
۴. شبکه‌سازی محلی و محله‌محوری.....	۱۴
۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۱۶
منابع و مآخذ.....	۱۹

فهرست شکل‌ها

شکل ۱. چهار رکن مدل محله‌محوری.....	۱۷
شکل ۲. عوامل تحقق مدل محله‌محوری.....	۱۸



بررسی تار و پودهای انسجام اجتماعی در بحران‌ها و ارائه راهکارهایی برای تقویت آنها؛ با تمرکز بر محله‌محوری

Doi: [10.22034/mrc.report.21237](https://doi.org/10.22034/mrc.report.21237)

چکیده



شبکه ارتباطات در هر جامعه، شریان‌های حیاتی تبادل اطلاعات، قدرت و معنا هستند. این شبکه‌ها را در دو قالب کلی دسته‌بندی می‌شوند؛ نخست ارتباطات عمودی که بازتابی از ساختارهای رسمی، سلسله‌مراتبی و دیوان‌سالارانه است و کلیه دستگاه‌های دولتی (دولت به معنای جامع‌تر خود) در این دسته قرار می‌گیرند و دیگر، ارتباطات افقی که در حوزه اجتماعی و بین‌کنشگران اجتماعی با موقعیت‌های به نسبت مشابه جریان دارد و شکل ساختار یافته این ارتباطات در صورت نهادی خود در مسجد، هیئت‌ها، گروه‌های جهادی، خیریه‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد متبلور است. در بحران‌های بزرگ مانند جنگ، زلزله و همه‌گیری‌های کشنده این ارتباط دچار چالش می‌شود. در این شرایط جامعه فارغ از ساختارهای رسمی باید بتواند تا اندازه‌ای مسائل و مشکلات خود را مرتفع کند. برای این مهم، ساختار اصطلاحاً افقی جامعه باید تقویت و منسجم شوند و شبکه‌های مردمی تا حد ممکن جایگزین ساختار رسمی دیوان‌سالارانه شوند تا جامعه دچار اختلال‌های حاد نشود. یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که ساختار افقی و غیررسمی جامعه با ایجاد و تقویت شبکه‌های محلی، استفاده از رسانه‌های اجتماعی، سازماندهی داوطلبانه و مردمی، تقویت گفت‌وگوی اجتماعی و راهکار ویژه محله‌محوری تقویت می‌شود. برای رسیدن به محله‌محوری باید قوانین و مقرراتی ساده، برای راحتی فعالیت این شبکه محلی وضع شود تا با رسمیت یافتن ایشان، دستگاه‌ها و مردم ابایی از همکاری با آنها نداشته باشند. این قانون تشکیل شورای محله‌محوری (متشکل از نمایندگان شهرداری، مساجد، هیئت‌های مذهبی، تشکل‌های مردم‌نهاد و گروه‌های جهادی) به رسمیت بشناسد و ایشان را در دوره بحران متولی حل مشکلات اجتماعی در سطح محله بداند.



بیان / شرح مسئله

شبکه ارتباطات در هر جامعه، شریان‌های حیاتی تبادل اطلاعات، قدرت و معنا هستند. این شبکه‌ها را در دو قالب کلی دسته‌بندی می‌شوند؛ نخست ارتباطات عمودی مطرح است که بازتابی از ساختارهای رسمی، سلسله‌مراتبی و بوروکراتیک است و کلیه دستگاه‌های دولتی (دولت به معنای جامع‌تر خود) در این دسته قرار می‌گیرند و دیگر، ارتباطات افقی که در حوزه اجتماعی و بین‌کنشگران اجتماعی با موقعیت‌های به نسبت مشابه جریان دارد و شکل ساختار یافته این ارتباطات در صورت نهادی خود در مسجد، هیئت‌ها، گروه‌های جهادی، خیریه‌ها و تشکلهای مردم‌نهاد تجلی یافته است. در بحران‌های بزرگ مانند جنگ، زلزله و همه‌گیری‌های کشنده این ارتباط دچار چالش می‌شود. در این شرایط، جامعه فارغ از ساختارهای رسمی باید بتواند تا اندازه‌ای مسائل و مشکلات خود را مرتفع سازد. برای این مهم ساختار اصطلاحاً افقی جامعه باید تقویت و منسجم شوند و شبکه‌های مردمی تا حد ممکن جایگزین ساختار رسمی و دیوان‌سالارانه شوند تا جامعه دچار اختلال‌های حاد نشود.

نقطه‌نظر / یافته‌های کلیدی

ارتباطات افقی در بحران‌ها، رگ‌های حیاتی جامعه برای حفظ روحیه، انتشار سریع اطلاعات (گاه سریع‌تر از رسانه‌های رسمی)، سازماندهی خودجوش، جبران ناکارآمدی‌های ساختار عمودی و حفظ سرمایه اجتماعی هستند. تقویت آنها نیازمند یک رویکرد هوشمندانه است که هم از پتانسیل آنها بهره‌برد و هم مانع از گسترش هرج و مرج اطلاعاتی شود. از سوی دیگر، ایجاد نقش برای مردم و محلات می‌تواند ضمن جلوگیری از آسیب روانی به ایشان، مردم را به کنشگری مثبت در مقاومت فعال در برابر دشمن تبدیل کند. جامعه‌ای که در آن ارتباطات افقی قوی و سالم باشد، بسیار انعطاف‌پذیرتر، خلاق‌تر و مقاوم‌تر خواهد بود. این شبکه‌های افقی هستند که می‌توانند شکاف‌های اجتناب‌ناپذیر ساختار عمودی را پر کنند و پیوند اجتماعی لازم برای عبور از سخت‌ترین دوران‌ها را فراهم آورند. نادیده گرفتن آنها به معنای نادیده گرفتن یکی از قدرتمندترین سلاح‌های یک ملت در بحران است. پیشنهاد این گزارش برای تقویت ساختار افقی و غیررسمی جامعه، ایجاد و تقویت شبکه‌های محلی، استفاده از رسانه‌های اجتماعی، سازماندهی داوطلبانه و مردمی، تقویت گفت‌وگوی اجتماعی و راهکار ویژه محله‌محوری است.

پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

تقویت ساختارهای غیررسمی و اجتماعی جامعه از طریق اعطای مسئولیت، شبکه‌سازی و توان‌افزایی محلی محقق می‌شود؛ در شرایط بحران، بسیاری از آنها نیازمند یک مصوبه کلی هستند که فرایندها را ساده و سریع و کارآمد کند. این مصوبه به قانون به معنای متداول نیاز ندارد و می‌تواند با تصمیم یک شورای بالادستی تحقق شود. در حوزه غیررسمی و اجتماعی نیز این مصوبه باید شامل ایجاد و تقویت شبکه‌های محلی، استفاده از رسانه‌های اجتماعی، سازماندهی داوطلبانه و مردمی، تقویت گفت‌وگوی اجتماعی و به ویژه محله‌محوری باشد. برای رسیدن به محله‌محوری باید قوانین و مقرراتی ساده، برای راحتی فعالیت این شبکه محلی وضع شود تا با رسمیت یافتن ایشان، دستگاه‌ها و مردم دچار تردید از همکاری با آنها نداشته باشند. این قانون تشکیل شورای محله‌محوری (متشکل از نمایندگان شهرداری، مساجد، هیئت‌های مذهبی، تشکلهای مردم‌نهاد و گروه‌های جهادی) به رسمیت بشناسد و ایشان را در دوره بحران متولی حل مشکلات اجتماعی در سطح محله بداند.



۱. مقدمه

شبکه ارتباطات در هر جامعه، شریان‌های حیاتی تبادل اطلاعات، قدرت و معنا هستند. این شبکه‌ها را می‌توان در دو قالب کلی دسته‌بندی کرد:

۱ ارتباطات عمودی که بازتابی از ساختارهای رسمی، سلسله‌مراتبی و دیوان‌سالارانه است؛ کلیه دستگاه‌های دولتی (دولت به معنای جامع‌تر خود) در این دسته قرار می‌گیرند.

۲ ارتباطات افقی که در حوزه اجتماعی و بین‌کنشگران اجتماعی با موقعیت‌های به نسبت مشابه جریان دارد؛ شکل ساختاریافته این ارتباطات در صورت نهادی خود در مسجد، هیئت‌ها، گروه‌های جهادی، خیریه‌های و تشکل‌های مردم‌نهاد نشان داده شده است.

درک تعامل بین این دو سیستم، کلید فهم چگونگی عملکرد نهادها، توزیع قدرت و ایجاد اعتماد در جامعه است. این گزارش به بررسی ماهیت و کارکردهای این ارتباطات می‌پردازد و ضمن بررسی چالش‌های آنها، به ارائه راهکارهایی برای تقویت ساختارهای رسمی و غیررسمی جامعه ایران مبادرت می‌ورزد.

ماکس وبر، جامعه‌شناس کلاسیک آلمانی، مفهوم ایدئال «دیوان‌سالاری» را به عنوان کارآمدترین شکل سازماندهی معرفی کرده و ارتباطات در این ساختار ذاتاً عمودی است [۱].

این ارتباطات از بالا به پایین (دستورات، سیاست‌ها و قوانین) و از پایین به بالا (گزارش‌ها، درخواست‌ها و بازخورد) جریان می‌یابد. این ارتباطات مبتنی بر:

- ✓ **سلسله‌مراتب:** موقعیت افراد در هرم سازمانی مسیر و محتوای ارتباط را تعیین می‌کند.
- ✓ **رسمیت:** ارتباطات کتبی، پروتکل‌های مشخص و قواعد از پیش تعریف شده حاکم است.
- ✓ **عقلانیت:** هدف، کارایی و اهداف سازمانی به صورت عقلانی است.

این سیستم، نظم و پیش‌بینی‌پذیری و ثبات را برای جامعه به ارمغان می‌آورد. نهادهایی مانند دولت، بخش‌های نظامی و شرکت‌های بزرگ بدون این ساختار قادر به مدیریت پیچیدگی‌های جهان مدرن نیستند.

در مقابل ارتباطات ساختار رسمی، ارتباطات افقی در فضای بین افراد، گروه‌ها و نهادهای با موقعیت مشابه رخ می‌دهد. این ارتباطات، هسته اصلی تشکیل «سرمایه اجتماعی» هستند. پاتنام، سرمایه اجتماعی را به دو شکل تعریف می‌کند [۲]:

● **سرمایه اجتماعی پیوندهنده (Bonding):** ارتباطات درون گروهی همگن (مانند خانواده، دوستان نزدیک).

● **سرمایه اجتماعی پل‌زننده (Bridging):** ارتباطات بین گروه‌های مختلف اجتماعی.

این ارتباطات غیررسمی، خودانگیخته و مبتنی بر اعتماد، هنجارهای مشترک و عمل متقابل هستند. نمونه‌های آن شامل گفت‌وگوهای دوستانه، همکاری در انجمن‌های محلی، فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی و تعاملات درون نهادهای اجتماعی است. این شبکه‌ها از طریق رسانه‌ها و روایت‌های اجتماعی، مانند داستان‌ها و پیام‌های نمادین، به تقویت هویت جمعی و انسجام اجتماعی کمک می‌کنند.

این سیستم از ارتباطات افقی، انعطاف‌پذیری، نوآوری و انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند. همان‌طور که مارک گرانووتر

در نظریه «قدرت پیوندهای ضعیف» نشان می‌دهد، اغلب اطلاعات و فرصت‌های جدید از طریق ارتباطات افقی و به ظاهر ضعیف به دست می‌آید؛ چراکه منابع قدرت کمتر به اشتراک داده‌ها و فرصت‌ها به آحاد مردم اشتیاق دارند [۳]. ارتباطات عمودی و افقی در یک رابطه دیالکتیکی پیچیده قرار دارند: هم می‌توانند یکدیگر را تقویت کنند و هم در تعارض باشند.

✓ **تکامل مکمل:** یک سیستم اداری کارآمد (عمودی) برای درک نیازهای واقعی مردم، به کانال‌های افقی جامعه و بازخورد غیررسمی نیاز دارد. به‌طور مشابه، شبکه‌های افقی برای نهادینه کردن دستاوردهای خود (مانند تصویب یک قانون جدید) نیازمند پیوند با شبکه‌های عمودی و قدرت رسمی هستند. پاتنام استدلال می‌کند که سرمایه اجتماعی قوی، کارکرد نهادهای بروکراتیک (عمودی) را بهبود می‌بخشد و به ارتقای کارایی حکمرانی کمک کند.

✓ **تعارض و تضاد:** گاهی ساختارهای دیوان‌سالارانه سعی در مهار یا کنترل ارتباطات افقی دارند، زیرا آنها را غیرقابل پیش‌بینی و تهدیدی برای اقتدار خود می‌دانند و شبکه‌های افقی نیز به دنبال تضعیف ارتباطات عمودی برای تقویت خود هستند؛ در این حالت تعارض و تضاد به فرسایش طرفین منجر و در نهایت، باعث کاهش کارایی در مواجهه با بحران‌ها می‌شود.

با این حال، در دنیای امروز، چارچوب‌های «حکمرانی شبکه‌ای» تا حد زیادی جایگزین حکمرانی سنتی شده است. حکمرانی شبکه‌ای یک الگو یا مدل حکمرانی است که در آن دولت به تنهایی تصمیم‌گیرنده و مجری نیست، بلکه به‌عنوان یک بازیگر در میان شبکه‌ای از بازیگران مختلف (شامل بخش خصوصی، تشکل‌های مردمی، انجمن‌های تخصصی، گروه‌های ذی‌نفع و حتی نهادهای بین‌المللی) عمل می‌کند. در این مدل، تصمیم‌گیری‌ها و اجرای سیاست‌ها از طریق همکاری، مذاکره و تعامل بین این بازیگران صورت می‌گیرد [۴]. البته در دوران بحران که روابط قطع یا ضعیف می‌شوند باید نظمی ساده و سریع جایگزین سیستم‌های پیچیده شود؛ لذا در این گزارش ضمن توجه به امکان‌های حکمرانی شبکه‌ای بر نظم و ساختار افقی و غیررسمی حکمرانی متمرکز هستیم.

البته که در واقع جامعه به هیچ‌یک از این دو شکل ارتباطی به‌تنهایی وابسته نیست. ارتباطات عمودی استخوان‌بندی نظم و کارایی را فراهم می‌کند، در حالی که ارتباطات افقی بافت زنده، منعطف و مبتکر جامعه را تشکیل می‌دهند. یک جامعه سالم، جامعه‌ای است که بین این دو سیستم تعادل برقرار کند؛ به‌طوری که ساختارهای دیوان‌سالارانه از طریق مکانیسم‌های شفافیت و پاسخ‌گویی، در برابر ارتباطات افقی مسئول باشند و شبکه‌های افقی نیز بتوانند به‌طور مؤثر و متعهدانه خواسته‌های خود را به ساختارهای عمودی منتقل کنند. آینده پویایی اجتماعی به توانایی ما در طراحی نهادهایی بستگی دارد که این دو منطق ارتباطی را به جای خنثی کردن یکدیگر، تقویت کنند.

همچنین باید به سرمایه‌نمادین در بسیج نیروها و ایجاد اعتماد اجتماعی توجه داشت. منزلت و اعتبار افراد و گروه‌های مختلف، نقشی مهم در هم‌افزایی و جلب مشارکت مردم و ایجاد هویت اجتماعی دارند. لذا برای تقویت ساختارهای حکمرانی به‌ویژه ساختار افقی آن، توجه به سرمایه‌نمادین ضروری است.

به‌ویژه در بحران‌های بزرگ، ارتباطات عمودی و ساختار رسمی حکمرانی دچار چالش و اختلال می‌شوند؛ چرا که ضمن آسیب احتمالی ساختار رسمی در بحران‌های بزرگ، معطوف شدن دیوان‌سالاری به رفع بحران، سایر کارکردها و خدمات ساختار رسمی را با چالش روبه‌رو می‌کند. در این شرایط ساختار افقی و غیررسمی برای حفاظت



از خود و برقرار ماندن فرایندهای رفع نیاز دست به کار می‌شود. مهم‌ترین نقش در این میان برای محلات است؛ چرا که ضمن نزدیکی مکانی مردم به یکدیگر (که در بحران یک اصل است)، شناخت و همکاری مردم با یکدیگر می‌تواند مولفه‌ای مهم برای کنش‌های مردمی باشد. به بیانی دیگر، سرمایه اجتماعی ناشی از مراودات محلی و در دسترس بودن با کمترین فاصله زمانی و مکانی، ویژگی‌های مهمی هستند که محله را در هنگام بحران برای فعال شدن ساختار غیررسمی، متمایز و مطلوب نشان می‌دهد. اما فعال شدن این ساختار غیررسمی نیازمند طراحی، آمادگی و ساختارسازی مناسب است تا بر هرج و مرج دامن نزند.

این گزارش که همراه با مشاهدات میدانی محلات تهران و مصاحبه و گفت‌وگو با فعالان مردمی بوده، به دنبال آن است تا ضمن واکاوی چالش‌های ساختارهای غیررسمی در بحران، به مدلی برای محله‌محوری و لوازم تحقق آن بپردازد.

۲. پیشینه



۲-۱. سوابق مطالعاتی در مرکز

در باره تقویت ساختارهای رسمی و غیررسمی نظام حکمرانی مطالعات مختلفی صورت پذیرفته است که نمونه‌های مهم آن عبارت‌اند از:

۱. درآمدی بر حکمرانی مردمی به شماره مسلسل ۱۸۹۲۵،

۲. بررسی موانع مشارکت مردمی و ارائه راهکارهایی برای تحقق حکمرانی مشارکتی به شماره مسلسل ۱۸۹۲۹،

۳. ترسیم وضعیت و آسیب‌شناسی تشکل‌های مردم‌نهاد در ایران به شماره مسلسل ۱۷۸۹۲،

۴. آسیب‌شناسی سیاستگذاری در ایران؛ با تأکید بر امر اجتماعی به شماره مسلسل ۱۸۹۵۶.

اما این موضوع‌ها ناظر به شرایط بحران و اضطرار نبوده‌اند و از این حیث این گزارش نوآوری دارد.

۲-۲. سوابق تقنینی به همراه آسیب‌شناسی

در حوزه تقویت ساختارهای اجتماعی حکمرانی در شرایط بحرانی سابقه تقنینی وجود ندارد. اما حوزه‌های اجتماعی و محلی عمدتاً ذیل مساجد، گروه‌های جهادی، سرای محلات و تشکل‌های مردم‌نهاد راهبری می‌شوند که هیچ‌یک قانون مستقلی ندارند و توسط آیین‌نامه‌ها راهبری می‌شوند که پشتیبانی و ضمانت‌بخشی لازم را نسبت به قوانین ندارند و باید ابتدا قوانین حوزه مشارکت تصویب شود و سپس آیین‌نامه دستورالعمل‌ها در نسبت با آن قوانین شکل بگیرند.



۳. تقویت ساختارهای افقی و غیررسمی حکمرانی در بحران

حکمرانی توانمند باید بتواند ارتباط کارآمد و درستی میان اجزای مختلف جامعه (دولت، بازار و بخش اصطلاحاً مدنی) برقرار کند. این ارتباط باید در شرایط مختلف و بحرانی نیز متناسب با وضعیت قابل انعطاف و خودترمیم‌گر باشد. بحران‌های مختلف مانند همه‌گیری کووید ۱۹ و جنگ ۱۲ روزه نشان داد که ارتباط درون دستگاهی و میان دستگاهی ایران قوت و کارآمدی مناسبی ندارد. قطع شدن ارتباطات مذکور باعث شد تا چالش‌ها در حوزه‌های مختلف خبررسانی، انرژی، کالاهای اساسی و ... بروز یابد و اگر این بحران‌ها عمیق‌تر و طولانی‌تر شوند چه بسا چالش‌ها به بحران‌های اجتماعی منجر شود.

باید در نظر داشت که یک بحران کلی، کارکرد معمول نهادهای اجتماعی را دگرگون می‌سازد و چالش‌هایی جدی پیشروی دو شبکه ارتباطی عمودی (دیوان سالارانه-حکومتی) و افقی (شبکه‌های اجتماعی-مردمی) ایجاد می‌کند. ایجاد شرایطی چون ضرورت تمرکز شدید، تهدیدهای محیطی و ملی، گسترش اطلاعات نادرست و بی‌ثبات‌کننده نظم اجتماعی، هر دو شکل ارتباط را به سمت کژکارکردی سوق می‌دهد. ارتباطات عمودی با چالش‌هایی مانند تشدید سلسله‌مراتب، کاهش شفافیت، کاهش کارآمدی و حتی سرکوب اطلاعات مواجه می‌شود، در حالی که ارتباطات افقی ممکن است به عرصه‌ای برای گسترش شایعات و ایجاد شکاف در جامعه منجر می‌شود یا بالعکس به سازماندهی مقاومت تبدیل شود. اما به‌طور کلی تعادل بین این دو شبکه، که برای سلامت جامعه ضروری است، در دوران بحران به شدت شکننده می‌شود.

در حالی که تمرکز اصلی در بحران‌ها بر تقویت ساختار عمودی است، نادیده گرفتن ارتباطات افقی یک اشتباه استراتژیک بزرگ محسوب می‌شود. ارتباطات افقی در زمان بحران، رگ‌های حیاتی جامعه برای حفظ روحیه، انتشار سریع اطلاعات (گاه سریع‌تر از رسانه‌های رسمی)، سازماندهی خودجوش، جبران ناکارآمدی‌های ساختار عمودی و حفظ سرمایه اجتماعی هستند. تقویت آنها نیازمند یک رویکرد هوشمندانه است که هم از پتانسیل آنها بهره‌برد و هم مانع از گسترش هرج‌ومرج اطلاعاتی شود. از سوی دیگر، فراهم کردن زمینه مشارکت برای مردم و محلات می‌تواند ضمن جلوگیری از آسیب روانی به ایشان، مردم را به کنشگری مثبت در رفع بحران تبدیل کند. جامعه‌ای که در آن ارتباطات افقی قوی و سالم باشد، بسیار انعطاف‌پذیرتر، خلاق‌تر و مقاوم‌تر خواهد بود. این شبکه‌های افقی هستند که می‌توانند شکاف‌های اجتناب‌ناپذیر ساختار عمودی را پر کنند و پیوند اجتماعی لازم برای عبور از سخت‌ترین دوران‌ها را فراهم آورند.

بررسی‌های میدانی، مشاهده محلات شهر تهران و نهادهای اجتماعی آنها مانند مساجد، امامزاده‌ها، سرای محلات و مصاحبه با فعالان مردمی و تجربه‌نگاری ایشان از دوره همه‌گیری کرونا و جنگ ۱۲ روزه یافته‌های این گزارش را تشکیل می‌دهد. مبتنی بر این یافته‌ها، برای تقویت ارتباطات افقی در دوران بحران راهکارهای زیر مؤثر به نظر می‌رسند:

۱-۳. ایجاد و تقویت شبکه‌های محلی

در هرج‌ومرج حاصل از بحران، اولین مسئله این است که مردم احساس تنهایی، وحشت و نگرانی نسبت به آینده دارند. برای کنترل روانی این مشکلات اولیه، مردم به منابع و ساختاری نیاز دارند که به آنها اعتماد داشته باشند. در بازار شایعات رسانه‌های رسمی (به‌ویژه در شرایطی که رسانه‌های فارسی‌زبان بیرون از ایران نقش مهمی در شایعه‌پراکنی و ایجاد ناامیدی دارند) شناسایی و رسمیت بخشیدن به نهادهای اجتماعی موجود در سطح محله، روستا و شهر (مانند شوراهای محلی، مساجد، انجمن‌های خیریه معتبر و ریش‌سفیدان) ضروری است. این نهادها می‌توانند به‌عنوان کانال‌های توزیع کالا، خدمات و اطلاعات معتبر به مردم و بالعکس عمل کنند. دولت می‌تواند به‌طور منظم اطلاعات و اقلام لازم (دستورالعمل پناه‌گیری، نقاط توزیع آذوقه و اخبار صحیح) را در اختیار این شبکه‌ها قرار دهد (و اگر دولت توان تأمین رانداشته باشد، خود محلات باید به‌صورت خودکفا عمل کنند). در نتیجه اطلاعات معتبر از طریق کانال‌های مورد اعتماد مردم منتشر می‌شود و جای



شایعات را می‌گیرد و اقلام و خدمات به‌نحوی نسبتاً عادلانه در میان مردم توزیع می‌شود.

برای رسیدن به این ساختار و شبکه باید نیروهای مهم محلی شناسایی شوند و میان ایشان تقسیم کار صورت گیرد. همچنین باید قوانین مختصری برای رسمیت بخشیدن به این شبکه در شرایط بحرانی تنظیم شود تا همکاری مردم و نهادها با ایشان روان و بدون مشکل باشد. این قوانین به این شبکه و نهادهای همکار نیز نسبت به تصمیم‌ها و کنش‌های خود اطمینان می‌دهد و نگرانی نسبت به عواقب آن ایجاد نمی‌کند. لذا پیشنهاد مشخص این بخش و حتی گزارش، ایجاد حکمرانی و شبکه محله‌محور است. در ادامه و در بخش محله‌محوری درباره این شبکه و قوانین پشتیبان، پیشنهادهای مشخص‌تری خواهد آمد.

۲-۳. ایجاد ساختار اطلاع‌رسانی با تعادل میان خبررسانی صحیح و پاسداشت امید

در ایام بحران شایعات در فضای مجازی به سرعت گسترش می‌یابند و قطع کامل اینترنت و فیلترینگ گسترده نیز به نارضایتی و تحریر جامعه دامن می‌زند. لذا به جای قطع کامل اینترنت یا فیلتر کردن گسترده (که خود باعث بی‌اعتمادی و گسترش شایعه می‌شود)، دولت می‌تواند کانال‌های رسمی و شفاف در پلتفرم‌های پرطرفدار ایجاد کند (مثلاً کانال‌های تلگرامی یا اپلیکیشن‌های داخلی) که به سرعت و با زبان غیررسمی، اطلاعات دقیق را منتشر کنند. کتمان خبر همواره اثر بدتری از بیان آن با ملاحظات امیدبخش دارد. تجربه‌ای که حزب‌الله لبنان در بیان سخت‌ترین و ناگوارترین اخبار دارد و هرگز ضربه‌های وارد به خود را کتمان نکرده، اما امید را نیز در دل مردم لبنان نیز خاموش نمی‌کند. در این وضعیت حتی از اینفلوئنسرهای معتمد (چهره‌های علمی، ورزشی و مذهبی) برای انتشار پیام‌های وحدت‌بخش و اطلاعات صحیح می‌توان استفاده کرد. در حقیقت باید میان اعتماد حاصل از خبررسانی و ایجاد امید یک تعادل برقرار کرد که هیچ‌یک به واسطه دیگری مصادره نشود.

همچنین، سیستم «سفیران اطلاعات درست» با انتخاب افراد معتمد آموزش‌دیده در محلات برای اصلاح شایعات و انتقال پیام‌های رسمی، آرامش و شناخت را توأمان در محله ایجاد می‌کند. کمپین‌های آموزشی سواد رسانه‌ای، نیز به تشخیص شایعات و تقویت هوش رسانه‌ای کمک می‌کند.

در نهایت تعبیه یک سامانه گزارش‌دهی مردمی برای مشاهده و گزارش آسیب‌ها و مشکلات نیز ضروری است که داده‌های خام را برای اطلاع‌رسانی و تحلیل جمع‌آوری می‌کند. این سامانه باید تکثر و گستردگی فراوانی داشته باشد. تجربه جنگ ۱۲ روزه نشان داد که اتکاب به شماره تلفن‌های تماس اضطراری ناکافی است و این شبکه باید گسترده و در سطح محلات و مناطق شهری شکل بگیرد؛ بدین صورت که در حکمرانی و شبکه محله‌محور، بخشی از این شبکه متصدی اخبار و اطلاعات شود.

۳-۳. ایجاد شبکه داوطلبان

در ایام بحران، انرژی و میل مردم به کمک کردن ممکن است به‌صورت پراکنده و بی‌ثمر هدر برود یا حتی با کنش‌های نهادهای رسمی دچار تزاخم و تعارض شود. در نتیجه ایجاد سامانه‌های شفاف و قابل دسترس برای ثبت نام داوطلبان براساس تخصص (پزشکی، مهندسی، رانندگی و روان‌شناسی) کمک فراوانی به کارآمدی کمک‌های مردمی خواهد کرد. بدین صورت که هر فرد ظرفیت و توانایی خود را در این سامانه معرفی کند و پس از بررسی اولیه توسط شبکه محلی به افراد نیازمند آن خدمت متصل شوند.

چنان که اشاره شد، این سامانه می‌تواند توسط نهادهای مردمی در سطح محله مدیریت شده و با ساختار رسمی کشور نیز هماهنگ و متصل شوند تا در موضوع‌ها و مشکلات کلان و اسیر محلات نیز از افراد متخصص و داوطلب استفاده کرد. وقتی مردم بدانند چگونه و کجا می‌توانند مفیدترین کمک را ارائه دهند، احساس سربار بودن نمی‌کنند و به نیرویی مؤلّد تبدیل می‌شوند. بدین ترتیب، در شرایط بحرانی، مشارکت، سرمایه اجتماعی و کارآمدی حفظ و ارتقا می‌یابند.

۴-۳. تقویت گفت‌وگوی اجتماعی از طریق رسانه ملی

در ایام بحران این آسیب وجود دارد که رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های رسمی به یک بلندگوی یک‌طرفه و کسل‌کننده تبدیل شود و در نتیجه اعتماد مردم را از دست بدهد. همچنین احساس مردم از شنیده‌نشدن صدای ایشان می‌تواند به سرخوردگی و نارضایتی منجر شود. در این شرایط ایجاد برنامه‌های زنده و تعاملی ضروری است؛ برنامه‌هایی که در آنها شهروندان عادی (نه فقط مقامات) تجربه‌های خود را از بحران و حل بحران به اشتراک بگذارند و سؤالات خود را مستقیم از متخصصان بپرسند؛ همچنین در این گفت‌وگوهای اجتماعی مشکلات محلی و راه‌حل‌های یافت شده توسط خود اجتماع‌های محلی و شبکه‌های افقی مطرح شوند تا نوآوری‌ها در بحران‌های از پیش اندیشیده نشده بتواند رافع مشکلات مردم باشد. البته رسانه ملی به‌تنهایی کافی نیست؛ نهادهای محلی مانند مدارس (برای آموزش‌های بحران)، کلانتری‌ها (برای هماهنگی امنیتی) و شبکه‌های محلی باید به‌عنوان ظرفیت‌های ارتباطی افقی فعال شوند. نتیجه این گفت‌وگوی اجتماعی، حفظ امید اجتماعی و حل مشکلات عینی است.

۵-۳. حمایت از ابتکارات فرهنگی و هنری مردمی

فشارهای روانی حاصل از بحران می‌تواند جامعه را به‌شدت فرسوده کند. به‌ویژه در شرایط ایران که تولید اخبار منفی نسبت به آن بسیار بالاست و مردم را دچار ترس و اضطراب می‌کند و می‌تواند آسیب‌هایی جدی به‌ویژه برای کودکان ایجاد کند. تعطیلی بسیاری از کارها و اختلال در فعالیت‌های روزمره نیز بحران را تشدید و افراد جامعه را دچار تشویش و آسیب‌پذیری می‌کند. در نتیجه تقویت تاب‌آوری روانی جامعه و ایجاد یک هویت جمعی قوی و مثبت در بافت محلات با خلق آثار هنری در معرض تماشای عموم قابل دست‌یافتن است. در این شرایط، تشویق و تسهیل تولید محتوای فرهنگی و هنری (تئاتر خیابانی، نقاشی دیواری، موسیقی و شعر) توسط خود مردم به‌ویژه در سطح محله به‌شدت به حفظ روحیه مردم کمک می‌کند. این آثار روحیه جمعی را تقویت کرده و روایت‌های اصیل و تأثیرگذار از جامعه را خلق می‌کنند که از بالا قابل دستور دادن نیستند. لذا در ساختار شبکه محله‌ای و با کمک گرفتن از شبکه داوطلبان می‌توان گروهی از اهالی فرهنگ و هنر را برای ساخت و ابتکارات ایشان با هدف حفظ و ارتقای روحیه مردم فعال کرد.

۶-۳. تنظیم‌گری روابط بخش خصوصی با بخش مردمی

منابع مالی در بحران‌های بزرگ دچار چالش می‌شوند و فراهم نبودن منابع مالی می‌تواند بسیاری از خدمات و برنامه‌های حل بحران را متوقف کند. شبکه مردمی و محله‌ای نیز بدون منابع مالی کارآمد نخواهد بود. البته که بخشی از منابع باید توسط دولت و خود مردم تهیه شود اما یکی از منابع اجتماعی و غیردولتی در ایام بحران، مسئولیت اجتماعی شرکت‌هاست. البته شرکت‌ها نیز در شرایط بحرانی دچار مشکلات اقتصادی می‌شوند. در این میان دولت باید برای پشتیبانی از شرکت‌ها و محلات، باید قوانین تسهیل‌گر و تشویق‌کننده مالی (مالیات، تخفیف گمرکی و...) وضع کند.

در واقع تخصیص مشوق به شرکت‌ها برای هدایت مسئولیت اجتماعی ایشان به مسائل اضطراری پیش‌آمده می‌تواند در هم‌افزایی، ایجاد منابع مالی، کالاهای ضروری و تخصیص بهینه امکانات موجود در شرکت‌ها به جامعه محلی در ایام بحران مؤثر باشد. بعد از عبور از بحران گزارش محلات و نهادها می‌تواند کمک شرکت‌ها را جبران کند و البته به توسعه نشان تجاری شرکت نیز منجر شود.



۴. شبکه‌سازی محلی و محله‌محوری



چنان‌که اشاره شد در شرایط بحرانی که ساختار عمودی جامعه با چالش‌های جدی روبه‌روست، ساختار افقی و غیررسمی برای بقای جامعه و کارکردهای آن و حفاظت از مردم باید فعال شود. به‌ویژه اگر بحران گسترده شود و ساختارهای رسمی نتوانند از مردم پشتیبانی کنند، جامعه در این شرایط برای سامان‌دهی امور جاری نیازمند یک شبکه‌سازی در خردترین مقیاس‌های جغرافیایی است. انتخاب خردترین مقیاس اجتماعی برای قوی بودن روابط اجتماعی و شناخت اجتماعی میان افراد است. چرا که در بحران روابط اجتماعی دچار چالش می‌شوند و تنها روابط دیرپا و قوی امکان بقا را دارند. به بیانی دیگر، شبکه‌های مردمی در محلات بیشترین میزان اعتماد و هم‌افزایی را دارند که حتی در صورت آسیب جدی ساختارهای رسمی نیز می‌توانند فعال و کارآمد باشند. چنان‌که در بخش‌های پیشین اشاره شد ساختارهای افقی باید چهار وظیفه و کارکرد مهم را به‌عنوان ارکان محله‌محوری پشتیبانی کنند:

- ۱ **امنیت محلی:** قدرتی از مقابله با نفوذی‌های محلی و مکان‌های مشکوک باید در محله صورت پذیرد چرا که ظرفیت نیروهای رسمی به‌ویژه در بحران محدود می‌شود.
 - ۲ **توزیع کالا و خدمات:** با تعطیلی برخی مراکز رسمی توزیع کالا و خدمات باید شبکه‌های محلی جایگزین ایشان شوند و نیازهای مردم بدون پاسخ باقی نماند.
 - ۳ **شبکه‌های اطلاع‌رسانی:** محلی می‌تواند مانع از انتشار شایعات و باعث ایجاد روحیه در مردم شود.
 - ۴ **نظارت و پایش محله:** اطلاع‌رسانی از وضعیت محله به مرکز برای تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر آگاهی از وضعیت میدان ضروری است. همچنین این پایش می‌تواند برنامه‌ریزی حاکمیت در پیشبرد اهداف و برنامه‌های خود را تقویت کند.
- بررسی‌های میدانی و گفت‌وگو با فعالان مردمی به‌ویژه تجربه‌نگاری ایشان در ایام همه‌گیری کرونا و جنگ ۱۲ روزه، نشان داد که تحقق این ارکان چهارگانه لوازمی دارد که در ادامه ذکر می‌شود.
- نخست آنکه، انجام این امور نیازمند تشکیل هسته‌ای (یا شورایی) معتمد و توانمند از خود محله است تا بتواند این مسئولیت را بر عهده بگیرد. تشکیل این هسته نیازمند یک مصوبه قانونی بسیط است که صرفاً چهار وظیفه فوق‌رادر شرایط بحرانی به شورایی محلی بسپارد. چرا که پیچیدگی و پیش‌بینی‌ناپذیر بودن شرایط بحرانی، نیازمند انعطاف و آتش به‌اختیاری در میان مردم است. البته این شورا پیش از بحران نیز باید شکل بگیرد و آمادگی‌ها و زیرساخت‌های لازم را کسب کند که شهرداری‌ها و وزارت کشور می‌توانند این وظیفه را بر عهده بگیرند.
- فعالیت محله بدون مکان مشخص انسجام کافی را ندارد. هر محله از زیرساخت‌های عمومی مناسبی نیز برخوردار است. این طرح از آنجاکه در شرایط فعلی بیش از هر استانی برای تهران ضروری است در هر محله زیرساخت مسجد، سرای محله، فرهنگسرا و حسینیه وجود دارد. تشکل‌های مردمی نیز در سطح محله فعال هستند که مهم‌ترین آنها بسیج، هیئت‌های مذهبی و گروه‌های جهادی هستند و هم نیروی اجتماعی مناسب به شمار می‌روند و هم مکان‌های فعالیت به شمار می‌روند. مدیران ساختمان‌ها نیز با اغماض نوعی از شبکه ارتباطی را در محله دارند.
- همچنین مدیران ساختار رسمی (به‌ویژه از شهرداری که نهادی عمومی و غیردولتی است) در سطوح نواحی، مناطق و محلات شهری حالتی واسطه میان ساختار رسمی و غیررسمی دارند و می‌توانند در حلقه فعالیت‌های غیررسمی عامل ثبات و نظارت و اطمینان‌بخش باشند.
- تنظیم روابط و برقراری ارتباط میان مردم محله، تشکل‌ها، زیرساخت‌ها و وظایف چهارگانه در شرایط پیش‌بحران و آموزش جامعه و مسئولان یک ضرورت است تا به‌هنگام بحران، از فعالیت و کارآمدی نسبی برخوردار باشند. چنان‌که اشاره شد بررسی‌های میدانی و مصاحبه‌ها عواملی را برای تحقق محله‌محوری نشان داد که به‌صورت عملیاتی شامل موارد زیر است:

- ۱ در هر محله حلقه‌ای معتمد از فعالان تشکل‌های محلی شکل بگیرند و به تدریج به مردم محله شناسانده شوند تا هویت و سرمایه اجتماعی ایشان شکل بگیرد.
- ۲ برای هر محل عمومی (پارک و حسینیه و مسجد و ...) نقش‌هایی در نظر گرفته شود؛ این نقش‌ها اعم از پناهگاه، محل گردهم‌های محلی، انبار، محل کمک‌های اولیه و ... می‌تواند باشد.
- ۳ نظام جایگزینی برای زمان بحران از قبل تهیه و مشخص شود. یعنی افراد و مکان‌های جایگزین در صورت تخریب و آسیب دیدن افراد معلوم باشد.
- ۴ ارتباطات تلفنی و شبکه‌های اجتماعی محله شکل بگیرد تا تعارف و آشنایی میان حلقه‌های فعال و مردم محله حاصل شود.
- ۵ تهدیدها و فرصت‌های هر محله تحت عنوان سند آمایشی محله شناسایی شود تا از بحران‌های احتمالی جلوگیری شود. شناسایی تهدیدها و فرصت‌ها در هر محله این امکان را فراهم می‌کند تا در زمانه شکل‌گیری بحران، بتوان تدبیر مناسب را برای مدیریت تهدیدها و بهره‌مندی مناسب از فرصت‌ها و امکانات محله به کار بست. به عنوان نمونه شناسایی معتادهایی که در دوره بحران، مواد به آنها نمی‌رسد موجب می‌شود بتوان آنها را تحت داروهای درمانی قرار داد تا ضمن ترک مواد، برای اعضای محله نیز ایجاد مزاحمت نکنند. یا از جنبه فرصت، ممکن است در محله‌ای ظرفیت انبار کالا و اجتماع امن مردمی وجود داشته باشد. شناسایی و طراحی مناسب برای این ظرفیت‌ها این امکان را فراهم می‌آورد تا در زمان بحران بتوان از این امکانات برای سایر محلات استفاده کرد؛ همچنین شناسایی متخصصان پزشکی، فنی و ... در یک محله و برنامه‌ریزی مناسب برای آنها کمک می‌کند تا هنگام بحران و نیاز، از این ظرفیت برای سایر محله‌ها نیز بهره برد.
- ۶ نفرات معتمد و تشکل‌های محله شناسایی شوند و نقش هر تشکل و فرد و مکان برای وظایف چهارگانه (امنیت، توزیع کالا و خدمات، اطلاع‌رسانی و نظارت) تبیین شود و به اطلاع آحاد افراد محله نیز برسد.
- ۷ در صورت اضطرار، برخی محلات مشخص و سایر محلات باید آماده باشند. به طور مثال، اگر یک محله دچار بحران جدی شد، باید محله‌های یاور و معین مشخص شده باشند.
- ۸ منبع مالی، پشتیبانی مهم برای اقدام‌های مذکور در محله است. تشکیل صندوق اعتباری محلات با استفاده از ظرفیت‌های محلی، اعتبار بانک‌های دولتی برای مواقع بحران و منابع مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در این شرایط می‌تواند منابع در دسترس و کم‌هزینه‌ای باشد. برای تحقق این عوامل چنان‌که اشاره شد باید قوانین و مقرراتی ساده، برای راحتی فعالیت این شبکه محلی وضع شود تا با رسمیت یافتن ایشان، دستگاه‌ها و مردم ابایی از همکاری با آنها نداشته باشند. این قانون باید تشکیل شورای محله محوری (متشکل از نمایندگان شهرداری، مساجد، هیئت‌های مذهبی، تشکل‌های مردم‌نهاد و گروه‌های جهادی) به رسمیت بشناسد و ایشان را در دوره بحران متولی حل مشکلات در سطح محله بداند و اجازه فعالیت در چهار رکن یادشده را به ایشان بدهد و دولت را مکلف به تحقق لوازم هشت‌گانه مذکور پیش و حین بحران بکند. همچنین باید این محدود را در نظر گرفت که این شبکه‌سازی ضمن انتخاب افراد معتمد باید دور از هرگونه سیاست‌ورزی به معنای جناحی صورت پذیرد تا شکل و رنگ ملی حرکت دچار چالش نشود.



۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری



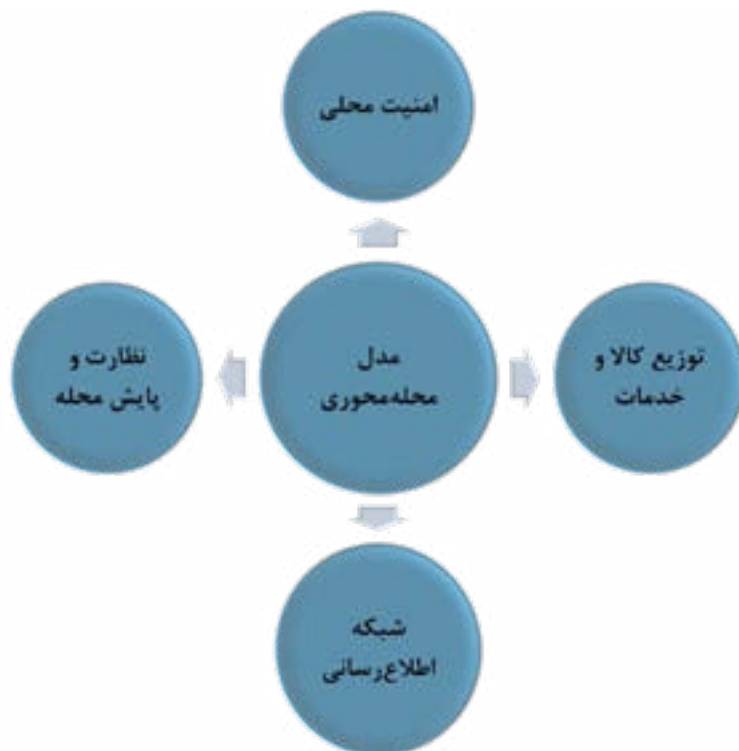
شبکه ارتباطات در هر جامعه، شریان‌های حیاتی تبادل اطلاعات، قدرت و معنا هستند. این شبکه‌ها را در دو قالب کلی دسته‌بندی می‌شوند؛ نخست ارتباطات عمودی که بازتابی از ساختارهای رسمی، سلسله‌مراتبی و دیوان‌سالارانه است و کلیه دستگاه‌های دولتی (دولت به معنای جامع‌تر خود) در این دسته قرار می‌گیرند و دیگر، ارتباطات افقی که در حوزه اجتماعی و بین‌کنشگران اجتماعی با موقعیت‌های به نسبت مشابه جریان دارد و شکل ساختاریافته این ارتباطات در صورت نهادی خود در مسجد، هیئت‌ها، گروه‌های جهادی، خیریه‌های و تشکل‌های مردم‌نهاد متبلور است. درک تعامل بین این دو سیستم، کلید فهم چگونگی عملکرد نهادها، توزیع قدرت و ایجاد اعتماد در جامعه است. این گزارش به بررسی ماهیت و کارکردهای این ارتباطات می‌پردازد و ضمن بررسی چالش‌های آنها، به ارائه راهکارهایی برای تقویت ساختارهای اجتماعی و غیررسمی جامعه ایران مبادرت کرده است.

در حالی که در بحران‌ها، دستگاه دیوان‌سالاری تمرکز اصلی خود را بر تقویت ساختار رسمی و رفع هسته مرکزی بحران می‌گذارد، ظرفیت ارتباطات افقی می‌تواند نیازهای مهم و حیاتی جامعه را تا حدی رفع کند. ارتباطات افقی در بحران‌ها، رگ‌های حیاتی جامعه برای حفظ روحیه، انتشار سریع اطلاعات (گاه سریع‌تر از رسانه‌های رسمی)، سازماندهی خودجوش، جبران ناکارآمدی‌های ساختار عمودی و حفظ سرمایه اجتماعی هستند. تقویت آنها نیازمند یک رویکرد هوشمندانه است که هم از پتانسیل آنها بهره‌برد و هم مانع از گسترش هرج‌ومرج اطلاعاتی شود و از سوی دیگر ایجاد نقش برای مردم و محلات می‌تواند ضمن جلوگیری از آسیب روانی به ایشان، مردم را به کنشگری مثبت در مقاومت در برابر بحران تبدیل کند. جامعه‌ای که در آن ارتباطات افقی قوی و سالم باشد، بسیار انعطاف‌پذیرتر، خلاق‌تر و مقاوم‌تر خواهد بود. این شبکه‌های افقی هستند که می‌توانند شکاف‌های اجتناب‌ناپذیر ساختار عمودی را پر کنند و پیوند اجتماعی لازم برای عبور از سخت‌ترین دوران‌ها را فراهم آورند.

در بحران، به‌ویژه بحران‌های بزرگ، ارتباطات عمودی و ساختار رسمی حکمرانی دچار چالش و اختلال می‌شود؛ چرا که ضمن آسیب احتمالی ساختار رسمی در بحران‌های بزرگ، معطوف‌شدن دیوان‌سالاری به رفع بحران، سایر کارکردها و خدمات ساختار رسمی را با چالش روبه‌رو می‌کند. در این شرایط ساختار افقی و غیررسمی برای حفاظت از خود و برقرار ماندن فرایندهای رفع نیاز دست به کار می‌شود. مهم‌ترین نقش در این میان برای محلات است؛ چرا که ضمن نزدیکی مکانی مردم به یکدیگر (که در بحران یک اصل است)، شناخت و همکاری مردم با یکدیگر می‌تواند مؤلفه‌ای مهم برای کنش‌های مردمی باشد. به بیانی دیگر، سرمایه اجتماعی ناشی از مراودات محلی و در دسترس بودن با کمترین فاصله زمانی و مکانی، ویژگی‌های مهمی هستند که محله را در هنگام بحران برای فعال شدن ساختار غیررسمی، متمایز و مطلوب نشان می‌دهد. اما فعال شدن این ساختار غیررسمی نیازمند طراحی، آمادگی و ساختارسازی مناسب است تا بر هرج‌ومرج دامن نزند.

پیشنهاد این گزارش برای تقویت ساختار افقی و غیررسمی جامعه، ایجاد و تقویت شبکه‌های محلی، استفاده از رسانه‌های اجتماعی، سازماندهی داوطلبانه و مردمی، تقویت گفت‌وگوی اجتماعی و راهکار ویژه محله‌محوری است. مدل محله‌محوری مبتنی بر چهار رکن طبق مدل زیر است:

شکل ۱. چهار رکن مدل محله محوری



مأخذ: یافته‌های پژوهش.

تنظیم روابط و برقراری ارتباط میان مردم محله، تشکل‌ها، زیرساخت‌ها و ارکان چهارگانه فوق در شرایط پیش از بحران و آموزش جامعه و مسئولان یک ضرورت است تا به هنگام بحران، از فعالیت و کارآمدی نسبی برخوردار باشند. چنان‌که اشاره شد بررسی‌های میدانی و مصاحبه‌ها پیش‌نیازهایی برای تحقق محله محوری نشان دادند؛ این تحقق محله محوری، نیازمند موضوع‌ها و عواملی است که در شکل زیر نمایش داده شده‌اند:

شکل ۲. عوامل تحقق مدل محله‌محوری



مأخذ: همان.

باید قوانین و مقرراتی ساده، برای راحتی فعالیت این شبکه محلی وضع شود تا با رسمیت یافتن ایشان، دستگاه‌ها و مردم بدون تردید از همکاری با آنها نداشته باشند. این قانون تشکیل شورای محله‌محوری (متشکل از نمایندگان شهرداری، مساجد، هیئت‌های مذهبی، تشکل‌های مردم‌نهاد و گروه‌های جهادی) به رسمیت بشناسد و ایشان را در دوره بحران متولی حل مشکلات در سطح محله بداند و اجازه فعالیت در چهار رکن یاد شده در شکل ۱ را به ایشان بدهد و دولت را مکلف به تحقق لوازم هشت‌گانه در شکل ۲ پیش و حین بحران بکند. همچنین باید این محذور را در نظر گرفت که این شبکه‌سازی ضمن انتخاب افراد معتمد باید دور از هرگونه سیاست‌ورزی به‌معنای جناحی صورت پذیرد تا شکل و رنگ ملی حرکت دچار چالش نشود.



- [1] Weber, M., Economy and Society. 1922: University of California Press.
- [2] Putnam, R.D., Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community. 2000: Simon & Schuster.
- [3] Granovetter, M.S., The Strength of Weak Ties, American Journal of Sociology. 1973.
- [4] Rhodes, R.A.W., The new governance: Governing without government. 1996.

گزیده سیاستی

محلهمحوری راهکاری مهم برای تقویت ساختار افقی جامعه است تا هنگام بحران و ناکارآمدی ساختار عمودی، جامعه دچار اختلال نشود.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰۰ • صندوق پستی: ۵۸۵۵-۱۵۸۷۵ • پست الکترونیک: mrc@majes.ir

وبسایت: rc.majles.ir